

## به یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

محمدحسن رجبی<sup>۱</sup>

شخصیت علمی شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب را به دلیل جامعیت علمی وی، از ابعاد گوناگونی می توان بررسی کرد. حوزه های اندیشه و کار علمی او عبارت بودند از: ادبیات، تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تاریخ ایران، عرفان و تصوف. علاوه بر این، استاد به چند زبان خارجی و رشته های دیگر علوم قدیم و جدید مانند فلسفه و حکمت، ادیان، اسطوره شناسی، رجال و تراجم به خوبی آشنایی داشت.

اینجانب گرچه هیچ گاه توفیق شاگردی ایشان را نیافتم اما خوشه چین خرمن دانش وسیع او از خلال آثارش بوده ام و برحسب ذوق و علاقه شخصی، اغلب آثار تاریخی آن مرحوم را - گاه چند بار - مطالعه کرده ام. آنچه به نظر نگارنده تاریخ نگری و تاریخ نگاری او را از دیگر مورخان ایرانی و غیرایرانی معاصر متمایز می کند و بدان سبک ویژه ای بخشیده بدین شرح است:

۱. ابداع تاریخ ترکیبی. وی در تشریح این روش و سودمندی آن می نویسد: "... تاریخ، سرگذشت زندگی است و مثل زندگی امری است واقعی: آکنده از جهل و حماقت، و آکنده از لطف عظمت. مثل زندگی هم لغزش دارد و هم جهل و مرگ. کسی که تاریخ را چنان که هست می نگرد به کمک آن می تواند فاصله زمان را درهم بنوردد و زندگی کنونی خویش را در زندگی انسان های گذشته و در دنباله آن مشاهده کند. لیکن این فایده وقتی حاصل تواند شد که تاریخ تنها سرگذشت فرمانروایان و نام آوران نباشد، سرگذشت همه مردم و داستان زندگی تمام طبقات باشد. از این روست که در روزگار ما آنچه برای عامه مردم سودمند و دلکش تواند بود تاریخ ترکیبی است نه تاریخ تحلیلی ...

۱. عضو هیأت علمی معاونت پژوهشی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

حقیقت آن است که در وضع کنونی معلومات تاریخی، نه تاریخ تحلیلی صرف لطفی دارد نه تاریخ ترکیبی محض امکانی. کثرت جزئیات، اولی را ملال‌انگیز می‌کند و وفور مجهولات، دومی را غیرممکن. اما تلفیق بین هر دو شیوه - تا حدی که در وضع کنونی معلومات ممکن است - بی‌شک هنوز مطمئن‌ترین شیوه است..."

وی در ادامه، وظیفه مورخ روزگار خود را چنین می‌داند: "مورخ امروز، احیاکننده قرن‌های گذشته است و از او توقع دارند دست خوانندگان را بگیرد و آنها را در گذشته، در کوچه بازارهای دنیاها فراموش شده، بگرداند و همه چیز گذشته را پیش چشم آنها روح و حرکت بخشد. تنها به ذکر آنکه فلان اقوام چگونه در جنگی شکست خورده‌اند یا در حادثه‌ای پیروز شده‌اند بسنده نکنند. زندگی آنها را از نو حیات ببخشد، احوال و افکار آنها را زنده کند، و نشان دهد که آنچه آنها را به شکست‌ها و پیروزی‌ها کشانیده است کدام اسباب بوده است و آن شکست‌ها و پیروزی‌ها خود چه صورتی داشته است. از این روست که امروز آنچه تاریخ ترکیبی خوانده می‌شود بیشتر مطلوب عامه واقع شده است. با این همه، تاریخ ترکیبی خود براساس تاریخ تحلیلی پدید می‌آید و تا مورخ از حاصل تحقیق و تتبع کسانی که اجزای تاریخ گذشته و احوال نام‌آوران روزگاران رفته را تحلیل کرده‌اند بهره نیابد نمی‌تواند از آن اجزا، تاریخ ترکیبی بسازد و زندگی گذشته را چنان‌که بوده است یا چنان‌که می‌تواند تا حد نزدیک به یقین چنان‌ش پنداشت زنده کند و آن را روح و حرکت ببخشد و بدین‌گونه در تاریخ ترکیبی، اعتماد مورخ همه بر تحلیل تاریخی است.<sup>۱</sup>

۲. ویژگی دیگر کار او، استفاده از دانش‌های کمکی دیگر مانند زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، مَهرشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و استفاده فراوان از کتب جغرافیا، سفرنامه، مزارات و وفیات، اندرزنامه، قصص، اخلاق، و اسناد و مکاتبات سیاسی و تاریخی در پژوهش‌های مربوط به تاریخ ایران باستان و سده‌های اولیه اسلامی است.<sup>۲</sup> از همین روست که استاد در نوشته‌های ادبی و تاریخی خود برحسب نیاز از همه مواد و مصالح مذکور استفاده کرده و خواننده آثارش وقایع تاریخی را مجرد از اوضاع سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن روزگار نمی‌بیند، بلکه گویی در همان دوره قرار داشته و خود ناظر بدون واسطه وقایع است.

۳. گذشته از دانش وسیع تاریخی، آنچه نوشته‌های تاریخی زرین‌کوب را از کشش و جذابیت ویژه‌ای برخوردار کرده نثر سلیس، روان و بدون تصنع و تکلف و در عین حال زیبا و دلشین اوست. وی از عبارت پردازی‌های ادیبانه پرهیز می‌کند، و اگرچه سخت به تاریخ و فرهنگ ایران

۱. عبدالحسین زرین‌کوب، *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۲۵۳۵. مقدمه

۲. برای اطلاع رجوع شود به کتاب‌شناسی تحلیلی مفصل تاریخ ایران در دوره ساسانی و نخستین سده‌های اسلامی، تحت عنوان "دریاب مأخذ" در اثر فوق.

دل‌بستگی داشت، اما نثر و کلامش معتدل بود. نه مانند بسیاری از مورخان و ادیبان دوران تجدد و رضاخان، به فارسی سره‌نویسی اعتقاد داشت و نه مانند ادبا و فضلای دوره قاجار نثر مصنوع و متکلف و آکنده از عبارات، اشارات و کنایات عربی را می‌پسندید و جملاتش به دور از اطناپ مملّ و ایجاز محلّ بود.

۴. نقد علمی آثار خود. به نظر نگارنده بزرگترین امتیاز زرین‌کوب نسبت به مورخان صد و پنجاه سال اخیر، شهامت او در انتقاد از نگرش تاریخی خود در آثار نخستین‌اش و نیز نقادی آثار برخی از مورخان و ادیبان نامدار و پیش‌کسوت معاصر است. وی در دوره پهلوی اول تحصیلات ابتدایی و متوسطه را گذراند و مانند سایر دانش‌آموزان و جوانان آن روزگار تحت تأثیر تبلیغات شدید ملی‌گرایانه رژیم رضاخان قرار داشت که در کتاب‌های تاریخی درسی و غیردرسی و نیز مطبوعات آن زمان به وفور دیده می‌شد. این تبلیغات مبتنی بود بر تجلیل و تکریم فرهنگ و تمدن و مآثر ایران باستان (پیش از اسلام) و نفی و نکوهش فرهنگ و تمدن ایران اسلامی.

این تمایلات ملی‌گرایانه که از اواسط دوره ناصری و بر اثر آشنایی برخی از منورالفکران ایرانی با آثار ایران‌شناسان اروپایی ظاهر شد در آثار میرزا آقاخان کرمانی و پیش از جنبش مشروطه به نحو آشکار بروز و ظهور یافت و در جریان جنبش و پس از آن در آثار شعرا و ادیبانی مانند میرزاده عشقی، فرخی یزدی، ملک‌الشعراى بهار، صادق هدایت و... ادامه یافت.

زرین‌کوب نیز تحت تأثیر این جریان فرهنگی، نخستین اثر تاریخی خود را به نام دو قرن سکوت، در اواخر دهه بیست تألیف کرد. این کتاب گرچه در مجامع علمی آن زمان و سال‌ها بعد به عنوان منبعی موثق و معتبر، مورد رجوع و استناد محققان و مورخان تاریخ ایران قرار داشت، اما با گسترش دامنه مطالعات خود، به نقد دیدگاه گذشته‌اش پرداخت و در کتاب تاریخ ایران قبل از اسلام آشکارا از نگرش غیرمنصفانه خود در کتاب مذکور و نیز دیگر مورخان همانند خویش انتقاد کرد و نوشت: "رسالة ایرانشاه [پورداد] آکنده است از شور حماسی و حس ملت‌پرستی. همین لحن تا حدی در کتاب مازیار مجتبی مینوی و بیشتر در طی مقالات ذبیح‌الله صفا راجع به رؤسای نهضت‌های ضدعرب و هم در مقاله و کتاب سعید نفیسی راجع به بابک خرم‌دین و در رساله عبدالله بن مقفع تألیف مرحوم عباس اقبال و در کتاب دو قرن سکوت اثر نویسنده این سطور نیز در تجلی است. در همه این آثار لحنی نامساعد و آمیخته به نیش و طعنه در حق اعراب [مسلمان] به کار رفته است که البته شایسته بیان مورخ نیست".<sup>۱</sup>

در کتاب‌های دیگری که پس از آن تألیف کرد، کوشید تا نگاهی منصفانه و به دور از تعصب و احساسات به فرهنگ و تمدن ایران باستان و علل و عوامل سقوط ساسانیان و گسترش اسلام در ایران داشته باشد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر مطالعات او در تاریخ و فرهنگ اسلامی، منجر به تألیف کتاب‌هایی مانند *بامداد اسلام* (تألیف: ۱۳۴۶)، و *کارنامه اسلام* (تألیف: ۱۳۴۸) گردید که با وجود گذشت بیش از سی سال از تألیف آن‌ها، جزو منابع مهم و معتبر تاریخ صدراسلام و فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد پیش از انتشار کارنامه اسلام، کتابی چنین جامع پیرامون دانش‌های رایج در جهان اسلام، توسط نویسنده‌ای ایرانی تألیف نشده بود.<sup>۲</sup> جسارت او در نقد نگرش تاریخی گذشته خود و همفکران خویش نشانه تحول و تکامل فکری و علمی اوست که در میان مورخان معاصر به ندرت می‌توان سراغ گرفت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



۱. به عنوان نمونه رجوع شود به: *تاریخ مردم ایران قبل از اسلام*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.  
 ۲. آیت‌الله مطهری در کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران* (چاپ ۱۳۵۴) به دفعات از این کتاب استفاده کرده است. رجوع شود به: *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴، ص ۱۶۵، ۱۶۶، ۴۶۶، ۴۶۷ و ۷۳۱.